

**The cultural consequence of the disappearance of Imami historical sources from
the first to the seventh century**

*Mohammad Zare Bushehri*¹

(DOI): [10.22034/SKH.2023.12762.1277](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.12762.1277)

Abstract

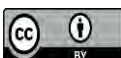
Original Article
P 35- 52

The disappearance of Shiite historical sources in the first to seventh centuries due to various reasons and factors; It has had consequences in the political, social and cultural spheres. The answer to the question of what are the consequences of the loss of historical sources in the cultural field is the subject of this article. Examining the works, library resources and statements of fellow commentators by describing and analyzing data; Will achieve the desired goal to show the consequence of the missing sources of Imami history in the cultural field. It cannot be accepted that the loss of resources in the field of culture has not had serious consequences and that the available resources are sufficient to answer the doubts in the field of history. Among the consequences of the disappearance of historical sources is that the knowledge of history has been neglected or neglected. The obscurity of some sciences is the neglect of history, the use of history to prove theological issues, and the inclusion of meta-historical issues in the field of history of the findings of this article.

Keywords: Imami historical sources, missing sources, Shiite history, first century, seventh century

1 - Assistant Professor of the Department of Shia Studies, Religions and Religions, Qom,
Iran. (m.zare@urd.ac.ir)

Received: 2022/01/12 | Accepted: 2022/11/13



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

پیامد فرهنگی مفقود شدن منابع تاریخی امامیه از

قرن اول تا هفتم

محمد زارع بوشهری^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2023.12762.1277](https://doi.org/10.22034/SKH.2023.12762.1277)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۵۲/۳۵

چکیده

مفقود شدن منابع تاریخی شیعه در قرون اول تا هفتم به علل و عوامل فراوان، پیامدهایی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته است که موضوع این پژوهش است. بررسی آثار، منابع کتابخانه‌ای و اظهارات صاحب‌نظران، با روش توصیف و تحلیل داده‌ها، پیامد مفقودی منابع تاریخ امامیه را در حوزه فرهنگی نمایان می‌کند. نمی‌توان پذیرفت که از بین رفتن منابع در این حوزه پیامد جدی نداشته است و داده‌های موجود در منابع تاریخی نیازهای حوزه فرهنگی را کفایت می‌کند. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد غبطه نسبت به آثار گذشته، دست یازیدن به مشهورات به دلیل فقدان منابع دست اول، فاصله گرفتن از گزاره‌های تاریخی و بهره‌گیری ابزاری از آن برای اثبات معتقدات کلامی، از پیامدهای مهم فرهنگی مفقودی منابع است.

واژگان کلیدی: منابع تاریخی امامیه، منابع مفقود، تاریخ تشیع، پیامد مفقودی منابع.

^۱ استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (m.zare@urd.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰



مقدمه

سابقه تدوین و کتابت شیعیان مقدم بر اهل سنت است و شیعه دست کم یک قرن پیش از اهل سنت به نگارش دست یازیده است. (جلالی، ۱۳۷۶: ۱۵) داده‌های تاریخی این پیش‌گامی را تأیید می‌کند؛ به‌ویژه اینکه ائمه علیهم‌السلام نیز اصحاب خود را برای پرداختن به دانش تاریخ تشویق می‌کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۴۷۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۹۷) این اهتمام و توجه دلایل مختلفی داشته است؛ از جمله اینکه بخش مهمی از قرآن کریم به داستان‌های تاریخی اختصاص دارد و توجه به آن با هدف عبرت‌آموزی تأکید شده است؛ همچنین حفظ و نگهداری سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به‌روشنی به عنوان الگو معرفی شده است،^۱ دلیل دیگری برای توجه شیعیان به تاریخ است.

در روایات نیز به تاریخ و ثبت آن توجه شده است؛ از جمله در خطبه‌های مختلف نهج‌البلاغه و کلمات امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام: «کُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِيَ رَسُولِ اللَّهِ كَمَا نَعْلَمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ» (خطیب بغدادی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۲۸۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳: ۲۴۲؛ شامی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۰) بررسی فهارس نشان می‌دهد که شیعیان در گونه‌های مختلف تاریخ‌نگاری، از جمله: تاریخ انبیاء، سیره و مغازی، تاریخ ائمه و اهل‌البیت، ایام‌العرب و تاریخ عرب پیش از اسلام، انساب، رجال و شرح حال‌نگاری، تاریخ عمومی، حروب فتن و ملاحم، مقاتل، مناقب و مثالب، فتوح و خراج، تاریخ‌نگاری محلی و جغرافیای تاریخی، تاریخ‌نگاری فرهنگی ادبی، فرق و مذاهب، تاریخ علوم و دانش‌ها، اخبار، تاریخ و تک‌نگاری، آثاری داشته‌اند.^۲

در مقاله‌ای صرفاً با بررسی رجال نجاشی (م ۴۵۰) روشن شده است که دانشمندان شیعه تا زمان نگارش رجال نجاشی ۱۳۵۵ اثر تاریخی داشته‌اند. (مجیدی نسب، ۱۳۸۷: ۱۳۵ - ۱۷۰) همچنین در فهرست ابن‌ندیم (م ۳۸۰ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) ذکر شده است که شخصیت‌های شیعی، مانند جلودی (م ۳۳۲ ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) کتاب‌های تاریخی داشته‌اند که در دسترس نیست.

حجم آثار نامبرده شده کم نیست و پیش از وقوع سلسله حوادثی موجود بوده‌اند. باقی‌ماندن نام این آثار و اطلاعات مختصری از آثار مکتوب شیعه به کتاب‌شناسی و فهارس مرهون است. کار کتاب‌شناسی آثار مکتوب شیعه از اواخر قرن سوم شیوع یافت و محدثان امامیه از آن پس، کنار تدوین کتاب‌های رجال، که سابقه بیشتری دارند، به تألیف کتاب‌های فهرست روی آوردند. (عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۳۶)

^۱. ر. ک. قرآن کریم، سوره‌های احزاب آیه ۲۲، آل عمران، آیه ۳۱، حشر آیه ۷، نجم آیه ۳ و ۴.

^۲. به رجال نجاشی، فهرست ابن‌ندیم و فهرست طوسی رجوع شود.

مؤلفان در آثار خود به کتبی استناد داده‌اند که در اختیارشان بوده، ولی اکنون اثری از آنها یافت نمی‌شود؛ برای نمونه، سید بن طاووس که از دانشمندان قرن هفتم است، به این آثار در تألیفات خویش اشاره کرده است. (کلیبرگ، ۱۳۷۱: ۱۶۱) در تحقیقی بیان شده است که از باقی ماندن بیش از یک سوم منابعی که ابن طاووس در تألیفاتش از آنها نقل می‌کند آگاهی نداریم. (کلیبرگ، ۱۳۷۱: ۱۴۹) از بین رفتن این منابع پیامدهایی را در حوزه‌های مختلف در پی داشته است که این نوشتار در صدد پاسخگویی به پیامد فرهنگی آن است.

مفاهیم

منابع تاریخی

منبع در پژوهش تاریخی به آن دسته از آثار مکتوب گفته می‌شود که با موضوع اثر هم‌زمانی یا فاصله اندکی داشته باشد و داده‌های اولیه را درباره وقایع تاریخی در اختیار قرار دهد؛ به دیگر سخن زمانی که گزارش و حادثه تاریخی از نظر زمانی فاصله زیادی با یکدیگر نداشته باشند و به صورت منسجم تنظیم شده باشد به آن منبع تاریخی گفته می‌شود. (حضرتی، ۱۳۹۰: ۱۰۴) این منابع اشکال مختلفی دارد؛ از جمله شاهد، عکس، فیلم، کتیبه. اگر فاصله زمانی منابع با وقایع هیچ یا اندک باشد، جزء منابع دسته اول شمرده می‌شود و اگر فاصله زمانی بیشتری با وقایع داشته باشند منابع دسته دوم به شمار می‌آیند. (همان: ۱۰۵-۱۰۶) در این نوشتار با توجه به بررسی بازه زمانی مشخص، تقریب زمانی به وقایع مد نظر نیست و هر آنچه در بازه زمانی قرن نخست تا هفتم نوشته شده باشد منبع تاریخی قلمداد می‌شود.

منابع مفقود

مفقود از ریشه «فَقَدَ» به معنای از بین رفته، از دست رفته، گم شده و نابود شدن است. فقدالشی، یعنی نابود شد و از بین رفت. (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۵: ۱۶۶) در این پژوهش همین معنا از مفقود مورد نظر است و منظور منابعی هستند که در گذشته بوده‌اند و اکنون از دست رفته و در اختیار نیستند؛ اعم از اینکه اطلاعی از آنها در دست نباشد یا به طور کلی بر اثر حوادث مختلف نابود شده باشند. بنابراین مفقود چنانکه برخی گفته‌اند به معنای غیر موجود نیست بلکه به این معنی است که تا کنون اطلاعی از آن نیست و ممکن است آینده با بررسی کتب خطی و کتابخانه‌های جهان اثری از آنها یافت شود یا با بازسازی از میان سایر آثار احیا شود. (صدیق‌الحکیم، بی تا: ۹) محققان دانش

تاریخ معتقدند کتب مهمی از بین رفته، یا پیوسته مخفی مانده، یا برخی کتب نقص دارند. (احسان عباس، ۱۴۰۸: ۷) بنابراین کتاب‌های بازسازی شده در شمار آثار مفقود قلمداد خواهد شد.

پیامد فرهنگی

مقصود از پیامد فرهنگی در این مقاله هر نوع اثرگذاری مستقیم یا غیر مستقیمی است که مفقود شدن منابع تاریخی در حوزه فرهنگ نگارش، استنادات تاریخی و تحولات این حوزه در پی دارد.

پیشینه

درباره پیامدهای مفقود شدن منابع، کار درخور و مستقلی صورت نگرفته است. اگرچه برخی نوشته‌ها به صورت پراکنده به این موضوع اشاره دارند؛ از جمله تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام^۱ سیدحسن صدر. این اثر در مواجهه با کم‌رنگ کردن نقش شیعیان در تأسیس علوم نگاشته شده است و پیشگامی شیعیان در بسیاری از علوم را در چهارده فصل بیان می‌کند که فصل هفتم آن به پیشگامی شیعیان در تاریخ‌نگاری اختصاص دارد. در مجموع به معرفی ۷۹ نفر از مورخان شیعی پرداخته است که در شناساندن آثار تاریخی مهم است. (صدر، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۷۴-۷۰۴)

همچنین میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری^۲ نوشته سیدحسین مدرسی طباطبایی، اثر دیگری است که نویسنده برای بسیاری از روایات، اصل و اساسی جز ضرورت عصر برای پاسخگویی به نیازهای مذهبی مسلمانان نمی‌داند. توجه وی به مسائل کلامی و نشان دادن تاریخچه برخی مباحث بر اساس ضرورت‌های به وجود آمده و برجسته شدن آن، نکته‌ای قابل دقت است. اگرچه در این اثر به پیامدهای مفقود شدن منابع اشاره‌ای نشده است. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، نوشته اتان کلبرگ^۳ است. کلبرگ مستشرق شیعه‌پژوه، این اثر را در زمینه کتاب‌شناسی تألیف کرده که در چهار باب تنظیم شده است. باب نخست به زندگی و اندیشه، باب دوم به آثار، باب سوم، کتابخانه و باب چهارم به فهرست کتاب‌های کتابخانه ابن طاووس اختصاص دارد

۱. صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام، قم، موسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۵.

۲. مدرسی طباطبایی، سید حسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سید علی قرایی و رسول جعفریان، اول، قم، اعتماد، ۱۳۸۶ ش.

۳. کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سید علی قرایی و رسول جعفریان، قم؛ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.

کلبرک، ۱۳۷۱: ۱۴۹) که برخی از آنها تا زمان وی بوده، به آن دسترسی داشته و در آثار خود از آن بهره گرفته است ولی اکنون در دست نیست. کلبرگ سید بن طاووس را نماینده آخرین نسلی می‌داند که نمایندگی ادبیات متقدم شیعی را در اختیار داشت. وی معتقد است ادبیات متقدم شیعی به طور برگشت‌ناپذیری از بین رفت. توجه دادن به ادبیات متقدم، که پیامد فرهنگی معرفی این نوع آثار است با موضوع این نوشتار سازگار است و در برخی موارد به آن ارجاع داده شده است. مقاله «عوامل و پیامدهای فقدان اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی»^۱ نوشته علی بیات و خانم زینب فضلی، با هدف ضرورت حفظ و نگهداری اسناد نگاشته شده است و به علل و عواملی برای از بین رفتن اسناد دیوانی در سده‌های نخستین اشاره می‌کند. همچنین برخی پیامدها را برای مفقود شدن اسناد دیوانی و تأثیر آن بر پژوهش‌های تاریخی ذکر کرده‌اند. بعضاً علل و پیامدهای اشاره شده با برخی یافته‌های این نوشتار هم‌پوشانی دارد. مقاله «علل نابودی بخش مهمی از میراث فرهنگی»^۲، اثر سیدمهدی رجائی در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست به نمونه‌هایی از آثار و کتابخانه‌های ویران‌شده اختصاص یافته است؛ بخش دوم به علل از بین رفتن کتب و ویرانی کتابخانه‌ها اشاره کرده است؛ بخش سوم مقاله به عوامل بازدارنده کتاب‌ها پرداخته است. این مقاله مستقیم به پیامد فرهنگی از بین رفتن آثار اشاره ندارد؛ ولی به موضوع این نوشتار نزدیک است. موضوع این مقاله تا کنون به صورت مستقل و همه‌جانبه بررسی نشده است. از این حیث تحقیقی نو و تازه است که پیش روی علاقه‌مندان حوزه تاریخ قرار می‌گیرد.

پیامدهای فرهنگی مفقود شدن منابع تاریخی

مقصود از پیامد فرهنگی، تأثیرات مفقود شدن منابع در حوزه فرهنگ نگارش، استنادات تاریخی و تحولاتی است که در این حوزه رخ داده است. از این‌رو مهم‌ترین پیامد در دسترس نبودن منابع اولیه، در بعد فرهنگی است که میراث غنی و ارزشمندی در روشن شدن بسیاری از وقایع و حوادث صدر اسلام است. اگر این منابع در اختیار بود، غبطه‌ای که امروز دانشمندان این حوزه برای آن می‌خورند وجود نداشت و برای حل برخی از گزاره‌ها و منقولات تاریخی به مشهوراتی که اساسی ندارند

۱. بیات، علی و زینب فضلی «عوامل و پیامدهای فقدان اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی» فصل‌نامه گنجینه اسناد، سال بیستم، دفتر اول، بهار ۱۳۹۱، ص ۶۲ - ۷۹.

۲. سید مهدی رجائی مقاله «علل نابودی بخش مهمی از میراث فرهنگی»، مجموعه مقالات کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۸ - ۱۸۱.

تمسک نمی‌کردند. همچنین بی‌توجهی یا کم‌توجهی به تاریخ، فرهنگی برخی دانش‌ها، نادیده انگاشتن تاریخ، استفاده از تاریخ برای اثبات مباحث کلامی و وارد شدن مباحث فراتاریخی از همین نمونه است. بنابراین غبطه به آثار گذشته، استناددهی به مشهورات و فاصله گرفتن از گزاره‌های تاریخی سه‌عنوانی است که در حوزه پیامدهای فرهنگی از بین رفتن منابع تاریخی این مقاله بررسی می‌شود.

۱ - غبطه نسبت به آثار گذشته

از آنجاکه اساس مطالعات تاریخی بر منابع و مآخذ استوار است، نوع و اعتبار منابع برای دست یافتن به هدف مذکور اهمیت زیادی پیدا می‌کند. از این‌رو وجود منابع و شواهدی که گواه صادق گذشته باشند و پرده از روی واقعیت و حقیقت رویدادها بردارند و دستیابی محقق تاریخ را به چنین مطلبی را بهتر و ممکن‌تر کنند، اساس مطالعه تاریخ به شمار می‌رود. (استفورد، ۱۳۸۲: ۱۰۷-۱۱۲)

از بین رفتن بخشی از منابع شیعی پژوهش‌های تاریخی را در این خصوص با چالش روبه‌رو کرده است؛ به‌گونه‌ای که جدی‌ترین دشواری در بررسی تاریخ تشیع کمبود منابع یاد شده است و افزون بر آن وجود تناقضات جمع‌نشده در اطلاعات درباره حوادث بر این دشواری‌ها می‌افزاید.

این دشواری‌ها در سده‌های بعدی افزون، و برای معقول جلوه دادن ساختار گزارش‌ها عناصری به آن افزوده شده است؛ برای نمونه شهادت شهید اول، که با تحلیل‌های ارائه‌شده قرائت سیاسی از آن نشر یافته است یا گزارش شیخ حر عاملی درباره شهید ثانی، به‌رغم نزدیکی زمانی، جعلی است که بر اساس گزارش شاهدان عینی کاملاً روشن است. (رحمتی، کاظم، ۱۳۹۵: ۳۸۹)

در اختیار بودن برخی آثار مفقود موجب روشن شدن و شناخت بسیار بهتری از جوامع شیعی می‌شد. یکی از محققین با اظهار تأسف از آثار شیخ صدوق، که از بین رفته است و هیچ‌گونه اثری از آنها در کتاب‌های بعدی دیده نمی‌شود، معتقد است: «اگر آن دسته از آثار که پاسخ به پرسش‌های شیعیان و فرق مختلف و کتاب‌های رجال و برخی از رساله‌هایی که از عناوین آنها پیداست که نوشته‌های او بوده و نه صرفاً کتاب‌های درباره حدیث، بی‌تردید شناختی بسیار بهتر از جامعه شیعیان ری، قم، بغداد و خراسان و عقائد آنان در نیمه دوم سده چهارم حاصل می‌شد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۷۷۲)

اگر به آثار مفقود دسترسی پیدا می‌شد، بسیاری از دانش‌های امروزی و آنچه از تاریخ فهمیده‌ایم تغییر می‌یافت. (احسان عباس، ۱۴۰۸: ۷) یکی از آثار مهم، که در دسترس نیست و در شناساندن تاریخ شیعه، به‌ویژه در منطقه شامات سودمندی‌های فراوان داشت، کتاب طبقات الامامیه در تاریخ تشیع است. (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۰۳) در قرن هفتم - دهم حتی فهرستی از کتاب‌های امامیه جز

آنچه به شکل بسیار محدود در کتاب رجال ابن داوود یا کتب رجالی علامه حلی یا نهایتاً در اجازات به طور پراکنده می‌بینیم وجود ندارد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۶۳۰)

یکی از مورخان معتقد است که اگر شیعه کتاب‌های جلودی را استنساخ کرده بود و جمع می‌کرد، الآن شخصیتی بزرگ‌تر از طبری داشت و نیازی به طبری نبود. وی جلودی را بسیار بزرگ‌تر از طبری می‌داند؛ دلیل آن را تنوع آثار، جامع بودن و صاحب نظر بودن وی ذکر می‌کند؛ همچنین اگر کتاب‌های تاریخی مؤلفان شیعه در اختیار بود، به آثار اهل سنت مراجعه نمی‌شد تا ایجاد سؤال کند که چرا به آثار مخالفان مراجعه می‌شود. وی توجه اهل سنت را به تاریخ موجب زنده شدن برخی مورخان شیعه می‌داند و به عنوان نمونه به ابومخنف اشاره می‌کند که طبری و بلاذری مورخان اهل سنت او را زنده کردند؛ زیرا آنها به تاریخ توجه داشتند و شیعه به تاریخ توجه نداشت. (صفری فروشانی، ۱۳۹۵: tarikh.imam.miu.ac.ir) با توجه به اظهارات بالا غبطه به آنچه از دست رفته مشهود است.

۲ - استناددهی به مشهورات تاریخی

برخی با قیاس به مشهورات فقهی و کلامی، شهرت روایی، شهرت فتوایی و اجتهادی قائل به مشهورات تاریخی هستند و آن را به چند نوع تقسیم می‌کنند:

الف) مشهورات روایی (نقلی)؛

ب) مشهورات نظری و اجتهادی؛

ج) مشهورات مردمی یا عرف.

با تمسک به قسم اخیر به عنوان مشهورات تاریخی یا مشهورات مردمی آن را دلیل صحت یک واقعه تاریخی یا مکان تاریخ یا حادثه تاریخی دانسته‌اند؛ (دشتی، ۱۳۹۵: tarikh.imam.miu.ac.ir) هرچند اثری از آن در منابع مکتوب وجود نداشته باشد. زمینه این استناددهی مفقود شدن منابع تاریخی در قرون پیشین است که اگر در اختیار بود چنین ادعایی را غیر ممکن می‌نمود.

در منابع پسین، مثلاً در منابع قرن ششم، هفتم یا یازدهم، نوگزاره‌هایی است که در منابع پیشین نبوده است. برخی از این گزاره‌ها بدون سند و برخی با سند است. درباره این گزاره‌ها دو مبنا وجود دارد: یک مبنا این است که این گزاره‌ها در کتب علماست و علما، افرادی بزرگوار و ثقه هستند و «لایروون الا عن ثقة». شاید این مطالب و گزاره‌ها شفاهی به آنها رسیده باشد. بنابراین شایسته نیست

به این گزاره‌ها به عنوان گزاره‌هایی که یک‌باره آمده‌اند بی‌توجهی شود و کنار گذاشته و از حیث ارتفاع بیفتند. بلکه باید از این گزاره‌ها استفاده شود.

بر مبنای برخی دیگر این نوگزاره‌ها باید با مبانی تاریخ‌شناسی و روش‌شناسی تاریخی سنجیده شود که آیا قابل اعتبار است یا خیر. شخصیت نقل‌کننده و کتابی که از آن نقل شده هیچ اثری در پذیرش آن ندارد. چون در بسیاری از موارد به مصادر مطالب دسترسی نیست و چیزی جز این نوگزاره‌ها وجود ندارد و در تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام، قسمت عمده‌ای از شناخت ما را همین نوگزاره‌ها تشکیل می‌دهند. (صفری فروشانی، پیشین) بر اساس این مبنا بدیهی است که تاریخ موجود دگرگون می‌شود و باید به گونه‌ای دیگر بازنویسی گردد.

مشهورات تاریخی، مردمی یا عرفی، اعم از اینکه در سطح کل جامعه اسلامی، منطقه‌ای یا فرقه‌ای باشد، یعنی میان شیعه یا منطقه خاص مشهور باشد، مثلاً آذربایجان، خراسان، هندوستان، یمن موضوعی شهرت داشته باشد. - آیا ارزش تاریخی دارد و قابل استناددهی هست یا خیر؟ نمونه‌های فراوانی برای این گونه مشهورات وجود دارد؛ از جمله: «رقیة بنت الحسین»، که مقبره وی در سوریه مشهور است و امامزاده ابراهیم محروق که مکانی در نیشابور و مرو به وی منسوب و مشهور است. قبر آل قنبر در نیشابور مشهور است. قدمگاه ائمه در شهرهای مختلف، حضور امام رضا علیه‌السلام در برخی مناطق، حضور امام کاظم علیه‌السلام در نیشابور، امامزاده‌ها، هیتل (هیاطله) در خراسان، قبر مادر سلیمان علیه‌السلام در پاسارگاد، قبر حضرت سلیمان علیه‌السلام در منطقه شیز آذربایجان در جنوب شرقی دریای ارومیه یا فریدون و ضحاک و ... که همه مشهورند.

برخی معتقدند نمی‌توان مشهورات مردمی را به راحتی کنار گذاشت، بلکه باید به عنوان یکی از ادله قابل اعتنا در تبیین مسائل تاریخی مورد توجه قرار گیرند. (دشتی، پیشین) البته شهرت مردمی، مانند ادله دیگر از جمله ادله مکتوب باید از ابعاد مختلف بررسی شود. برای پذیرش این نوع مشهورات سه شرط اساسی ذکر شده است؛ از جمله: اولاً امکان عقلی داشته باشد و جزء محالات نباشد. ثانیاً به لحاظ تاریخی ممکن باشد؛ ثالثاً قدح مسلمی برای آن وجود نداشته باشد. (همان)

بر اساس این دیدگاه در صورت تعارض مشهورات مردمی با منابع مکتوب، به لحاظ مصداقی گاهی مشهورات مردمی بر منابع مکتوب مقدم می‌شود؛ مانند، قبر محمد محروق در نیشابور، که همه منابع انساب جز تاریخ حاکم نیشابوری مدفن وی را مرو ذکر کرده‌اند.^۱ در این مورد تاریخ حاکم

۱ - محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین (ع) دومین رهبر معنوی قیام ابوالسرایا در دوره مأمون عباسی است. وی خورش ریخته شده است نه اینکه سوزانده شده باشد. در واقع مهروق است ولی با گویش نیشابوری به شکل محروق تلفظ شده و به این صورت نوشته

نیشابوری با مشهورات مردمی پیش و پس از حمله مغول متعارض است. مشهور است که قبر محمد محروق در نیشابور است. (همان) این شهرت بر منبع مکتوب مقدم است. البته تقدم مشهورات مردمی بر مشهورات مستند به مقدماتی نیازمند است که عبارت‌اند از:

(الف) بسیاری از حوادث مخصوصاً حوادث تاریخ شیعه اصلاً ثبت تاریخی نشده است. خیلی از حوادث بزرگ در شهرها ثبت نشده است چه برسد به حوادثی که در یک روستا یا در یک منطقه دوردست اتفاق افتاده باشد.

(ب) بسیاری از آثار مشتمل بر این حکایت‌ها از میان رفته است و برای تحقیق جز شهرت روایی منبعی وجود ندارد؛ به خصوص درباره تاریخ شیعه که به طور گسترده از میان رفته است.

(ج) بسیاری از حوادث تاریخ شیعه و ائمه به دلائل مختلفی عمداً پنهان شده است.

(د) فعالیت‌های خارق‌العاده و معجزه‌آسای ائمه در مناطق مختلف، مانند حضور امام کاظم علیه السلام در نیشابور برای دفن بانو شتیته، که در نیشابور صاحب قبر و بارگاهی است؛ حضور امام حسن عسکری علیه السلام در استرآباد، حضور امام رضا و امام جواد علیهما السلام در طوس و نیز مأموریت، لطف و عنایت ائمه نسبت به پیروانشان را نمی‌توان کتمان کرد. طبعاً این روش و سیره خارق‌العاده، که عده‌ای دیده و به خاطر سپرده بودند، پنهان مانده است.

البته بعضی این مقدمات جنبه طبیعی و عرفی و روا بودن مسأله را اثبات می‌کند. (دشتی، پیشین) با این مقدمات برخی نوگزاره‌های تاریخی، که اصلی در منابع پیشین ندارند، توجیه می‌شود؛ مثلاً شاگردی معروف کرخی از امام رضا علیه السلام که نقلی در منابع برای مسافرت امام رضا علیه السلام به بغداد ذکر نشده است با استناد به همین مشهورات توجیه می‌شود. در صورت وجود منابع و از بین رفتن آنها نیازی به دست یازیدن به مشهورات نبود و این نظریه بی‌پایه می‌شد.

۳- فاصله گرفتن از گزاره‌های تاریخی

پیامد فرهنگی دیگری که از بین رفتن منابع تاریخی در پی داشته است، فاصله گرفتن از مباحث تاریخی و بهره گرفتن از تاریخ به حد ضرورت در تثبیت مباحث فراتاریخی است. در برخی آثار تاریخی باقی‌مانده بر اساس محتوای آنها آنچه مشهود است استفاده از تاریخ در حد ضرورت و اثبات مباحث کلامی است. روشن است نقل برخی گزاره‌های تاریخی بر حسب ضرورت برای اثبات دیدگاه کلامی

شده است و الا دلیلی وجود ندارد که سوزانده شده باشد و یا حتی کشته شده باشد. این یک واکنش مردمی بوده است؛ که او نمی‌توانسته به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد بلکه خودش ریخته شده است.

ذکر شده است و با معجزات، کرامات و امور خارق العاده یا مباحث اعتقادی ترکیب شده است؛ برای نمونه به آثاری از این دست و محتوای ادعایی اشاره می‌شود.

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام و کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق (م ۳۸۱)

۳۴ اثر تاریخی شیخ صدوق (۳۰۵ - ۳۸۱) همگی از بین رفته‌اند. میان آثار موجود وی می‌توان به نگاه تاریخی او پی برد. کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام و کمال الدین و اتمام النعمة، دو نمونه باقی‌مانده آثار وی است که به تاریخ زندگانی ائمه مربوط می‌شود. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، وی دیدگاه‌های تاریخی و فراتاریخی را به هم آمیخته است. از این روش روشن می‌شود که صدوق از طرح دیدگاه‌های تاریخی برای اثبات دیدگاه کلامی خویش بهره برده است. او در ذکر حوادث تاریخی سیاسی مربوط به امام رضا علیه السلام با ذکر سلسله اسناد مانند یک مورخ پیش می‌رود. (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۱ و ۱۶۵) سایر حوادث هم‌زمان را نیز به همین شیوه مطرح می‌کند؛ اما میان این مطالب فراتاریخی از جمله معجزات را نیز وارد می‌کند و به معجزه حضرت در مجلس مأمون اشاره می‌کند. (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۱) در آغاز باب ۱۹ در همین اثر سراغ روایتی می‌رود که درباره جایگاه امام و ویژگی‌های اوست که جنبه فرابشری دارد. (همان، ج ۱: ۲۱۳) ترکیب روایات تاریخی و کلامی در این اثر به گونه‌ای است که به سختی می‌توان تفکیک و مقایسه کرد.

اثر دوم ایشان، یعنی کتاب کمال الدین و اتمام النعمة، اگرچه با هدف پاسخگویی به شبهات پیرامون غیبت نگارش یافته است، اما به دلیل جای گرفتن مباحث فراوان تاریخی، آن را در شمار نوشته‌های تاریخی دانسته‌اند. (صفری فروشانی، ۱۳۸۶ الف: ۱۸۹) در این کتاب نیز مانند اثر پیشین عمل کرده است. از یک طرف استفاده از اخباریانی کرده که توجه به جنبه‌های فراتاریخی نداشته‌اند؛ از جمله عبدالعزیز جلودی (صدوق، ۱۳۶۳: ۱۵۹، ۳۹۴) و ابان بن عثمان احمر بجلی (همان، ۱۴۷ و ۱۷۹) را می‌توان ذکر کرد. از طرف دیگر کتاب جنجالی سلیم بن قیس نیز جز منابع آن است که مباحث فراتاریخی دارد. (همان، ۲۴۰ و ۲۶۲) روشن است وی از تاریخ به عنوان اثبات دیدگاه و بینش کلامی خود بهره برده است و بر اساس ضرورت برای پاسخگویی به شبهات کلامی، که تشیع به آن مبتلا بوده است از تاریخ استفاده کرده است. شایان دقت این است که این گونه آثار صدوق باقی مانده و در اختیار است؛ ولی ۳۴ اثر مهم تاریخی دیگر وی از بین رفته است.

۲- هدایة الکبری از حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ ق)

نمونه دیگر اثر برجای مانده در قرن چهارم کتاب هدایة الکبری از حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۵۸ ق) است که در ابتدای باب‌های چهاردهگانه این کتاب می‌توان از نکات تاریخی استفاده کرد؛ اما این اثر مطالب فراتاریخی و داستان‌سرایی دارد که در آثار بعدی خصوصاً آثار اخباریان استناد و استفاده شده است. (خصیبی، ۱۴۱۹: ۴۰ و ۷۰ و ۷۳ و ۷۷ و ۷۹ و ۸۲ و ...)

۳- الارشاد الی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) از دیگر دانشمندان شیعی است که در حوزه تاریخ، در قرن پنجم از وی اثری بر جای مانده است. انگیزه اساسی وی برای گزینش و ارائه مباحث تاریخی اثبات و جانب‌داری از عقاید شیعه، به‌ویژه در حوزه مربوط به امامت دانسته شده است. (خانجانی، ۱۳۹۴: ۳۵) کتاب الارشاد الی معرفة حجج الله علی العباد درباره زندگانی ائمه علیهم‌السلام از متکلمی بزرگ است. در این کتاب با توجه به برخی دیدگاه‌های کلامی ایشان، از جمله آفرینش پیشینی امام انتظار این است که کمتر به مطالب فراتاریخی بپردازد و عمده بر گزارش‌های تاریخی متمرکز باشد. اما به طور کامل چنین نیست؛ گرچه تا حد زیادی این گونه است و از بیشتر آثار امامیه متمایز است. (صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ب: ۱۹) وی در این اثر به نقل معجزات و کرامات، که جنبه فرابشری داشته است پرداخته است. شیخ مفید اثر دیگری با عنوان مسار الشیعه دارد که با توجه به محتوا تحت تأثیر علوم دیگر نیست.

۴- عیون المعجزات، حسین بن عبدالوهاب (قرن پنجم)

حسین بن عبدالوهاب، از دیگر نویسندگان قرن پنجم است که اثری با عنوان عیون المعجزات به وی منسوب است. در دوره رواج اخباری‌گری عیون المعجزات مورد توجه علمای اخباری قرار گرفت و از روایات آن استفاده می‌شد؛ چرا که با گرایش‌های کلامی قرن دوازدهم درباره ائمه علیهم‌السلام هماهنگی داشت. نویسندگان و محدثان برجسته‌ای، مانند علامه حلی (م. ۷۲۶ ق)، حر عاملی (م. ۱۱۰۴ ق)، سیدهاشم بحرانی (م. ح ۱۱۰۹ ق) به آن توجه کرده‌اند. این اثر نمونه‌ای از باورهای عامیانه شیعه است که در قرن پنجم نهادینه شده است و با طی فرایندی طولانی از قرن دوم پشتوانه کلامی داشته است. (صفری فروشانی، ۱۳۸۵: ج: ۱۵۹) مطالب فراتاریخی بسامد فراوانی در آن دارد؛ از جمله درباره حضرت امیر علیه‌السلام می‌توان به این موارد اشاره کرد: قصة الانیة و الجام النازلة من السماء (حسین بن عبدالوهاب، بی‌تا: ۱۱) اخباره علیه‌السلام بمساکن کسری و کلامه مع الاجمجمه (همان، ۱۶)، حدیث

الحوثین مع امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همان، ۲۰) شهادة الجمل له (علیه السلام) بالوصاية (همان، ۲۹). درباره سایر ائمه نیز از این گونه نقل ها آورده است: از جمله درباره امام صادق (علیه السلام) كشف عن حال السمكة الساقطة من السحاب عند المنصور (همان، ۸۸)، امام رضا (علیه السلام) الكرامه التي ظهرت حين دفنها (همان، ۱۱۵)، امام هادی (علیه السلام) ابرأوه الاكمة و احيأوه الحمار الميت (همان، ۱۳۴) و الامام (علیه السلام) لا يحتلم (همان، ۱۳۶) را می توان برای نمونه ذکر کرد. در عین حال برخی موارد تاریخی را نیز ذکر کرده است که نسبت به موارد فراتاریخی بسیار اندک است. (همان، ۴۸ و ۵۰ - ۵۱ و ...).

۵- دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری آملی (قرن پنجم)

از گونه های تاریخ نگاری که میان آثار موجود باقی مانده است کتاب دلائل الامامه اثر منسوب به محمد بن جریر طبری آملی است.^۱ در این اثر مسائل تاریخی و فراتاریخی ذکر شده است که نشان دهنده فضای حاکم بر نگارش های مؤلفان شیعی است. مطالب تاریخی مربوط به ائمه (علیهم السلام) شامل سرگذشت، احوال ائمه، نقش انگشتی و باب های آنان است. (طبری آملی، ۱۴۱۳: ۵۳، ۷۶، ۷۹، ۸۸، ۱۵۷، ۱۶۲ و...) با توجه به محتوای کتب دلائل که به ذکر معجزات ائمه برای اثبات امامت نگاشته شده است، وجود مطالب فراتاریخی در آن طبیعی است. ترکیب گزارش های تاریخی و فراتاریخی در این اثر ادامه آثار پیشین است که از تاریخ در راستای تثبیت اعتقادات امامیه بهره گرفته شده است.

۶- إعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی (م. ۵۴۸ ق)

در این اثر روایی- تاریخی، که در چهار بخش تنظیم شده است، برخی مطالب تاریخی، که مربوط به تاریخ پیامبر و ائمه و اهل بیت (علیهم السلام) است را در بر دارد؛ از جمله به ولادت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نسب ایشان، رحلت و مطالب دیگر تاریخی پرداخته است و در شش باب به تفصیل به سیره، مغازی و سایر وجوه زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سپس حضرت زهرالهدی اشاره کرده است. (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۱ - ۲۸۹) بخش دوم کتاب را به حضرت علی (علیه السلام) اختصاص داده است و مطالب تاریخی درباره زندگی ایشان را بیان کرده است. (همان، ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۵) بخش سوم نیز به سایر ائمه اختصاص دارد که در بردارنده مسائل تاریخی مربوط به هر امام است. (همان، ج ۱، ص ۳۹۹ به بعد؛ ج ۲، ص ۵ -

۱. برای آگاهی بیشتر درباره اثر و مؤلف آن ر. ک: به صفری فروشانی، «محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه»، مجله علوم حدیث، سال دهم، شماره سوم و چهارم، صص ۲۲۳ - ۲۴۰.

۱۲۹) در بخش چهارم اثر به حضرت مهدی علیه السلام پرداخته شده است و مطالب تاریخی درباره ولادت، اسامی، القاب و غیره را آورده است. (همان، ج ۲، ۲۱۱-۲۲۳) کنار مطالب تاریخی و بشری سودمند به مطالب فراتاریخی و فرابشری هنگام ذکر معجزات و کرامات پرداخته است. (همان، ج ۱، ۳۳۵، ۴۸۵، ۵۲۰؛ ج ۲، ۱۶، ۵۳، ۹۶، ۱۱۴، ۱۳۷)

۷- کشف الغمة عن معرفة احوال الائمة و اهل بيت العصمة، علی بن عیسی اربلی (م. ۶۹۲ ق)

این اثر به دلیل در بر داشتن مباحث تاریخی در زمره تاریخ ائمه و اهل بیت از گونه‌های تاریخ‌نگاری در این نوشتار شمرده شده است که به قرن هفتم مربوط است. اربلی در این اثر، که در دو جلد به چاپ رسیده است، با ذکر مختصری از زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله به زندگانی ائمه علیهم السلام پرداخته است. اگرچه اربلی سعی کرده به برخی موارد، که به شرح و تبیین روایتی پرداخته است، جنبه عقلانی بدهد، (اربلی، ۱۴۲۱ ج ۱: ۱۰۰) اما در اثر خود به تناسب به مسائل فراتاریخی و معجزات پرداخته است. (همان ج ۱، ۲۷۰؛ ج ۲، ۶۷۶، ۶۷۹، ۷۳۱، ۷۵۲، ۸۷۰، ۸۹۳، ۹۳۱، ۹۹۵) که در آثار مشابه پیش از وی نیز این گونه است.

از نمونه‌های بالا مشهود است که مباحث کلامی بر تاریخ مقدم شده است و دغدغه این گونه مباحث تاریخ را به حاشیه رانده است؛ کلام متورمی که تاریخ پاسخگوی آن نبود؛ همچنین جایگاه اسطوره‌ای برای ائمه علیهم السلام قائل شدند، نجات شیعیان را از آنها انتظار داشتند و نگاه فرازمینی به آنها که دیگر آثار تاریخی پاسخگوی آن نبود. مسائل فراتاریخی و معجزات و کرامات و مباحث دیگر کلامی تاریخ از اثبات آن عاجز بود و نوشته‌های مورخینی مانند جلودی کافی نبود و با آثار دیگری باید اثبات می‌شد. (صفری فروشانی، پیشین)

نتیجه‌گیری

از مطالب پیش‌گفته روشن می‌شود که مفقود شدن منابع تاریخی امامیه در حوزه فرهنگی پیامدهایی در پی داشته که کار استناددهی و اتقان داده‌های تاریخی را در سده‌های پسین دشوار کرده است. این امر همچنین موجب غبطه دانشمندان حوزه تاریخ شد و زمینه استناددهی به مشهوراتی که بسیاری از آنها اصلی نداشتند را فراهم آورد و از تاریخ در حد ضرورت برای اثبات مباحث کلامی بهره برداری شد. افزون بر این مباحث فراتاریخی در آثاری که مقداری جنبه تاریخی داشتند راه یافت. از تاریخ محض غفلت شد و از گزاره‌های تاریخی فاصله گرفته شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، سیدعلی نقی، تهران، فقیه، پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۳ ق)، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا، نجف، مطبع الحیدریه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ ق)، بدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ج ۳.
۴. احسان عباس (۱۴۰۸ ق)، شذرات من کتب مفقودة فی التاریخ، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
۵. ارلی، ابی الفتح (۱۴۲۱)، کشف الغمة عن معرفة الائمة و اهل بیت العصمة، قم، رضی.
۶. استفورد، مایکل (۱۳۸۲)، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.
۷. انصاری قمی، حسن (۱۳۹۰)، بررسی های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸. انصاری حسن، کاتبان، <http://ansari.cateban.com>.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، «تشیع در حلب و بازمانده کتاب الحاوی فی الرجال الشیعة الامامیة» مقالات تاریخی، قم، دلیل، دفتر هفتم.
۱۰. جلالی، سیدمحمد رضا (۱۳۷۶)، تدوین السنة الشریفة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. حسین بن عبدالوهاب (بی تا)، عیون المعجزات، قم، مکتبه الداوری.
۱۲. حسین بن حمدان خصیبی (۱۴۱۹ ق)، هدایة الکبری، قم، البلاغ.
۱۳. حضرتی، حسن (۱۳۹۰ ش)، روش پژوهش در تاریخ شناسی، اول، تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۴. خانجانی، قاسم (۱۳۹۴)، «اندیشه های حاکم بر تاریخ نگاری شیخ مفید»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، شماره ۱۷، بهار، صص ۲۶-۴۶.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ ق) تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳-۱۰.
۱۶. _____ (۱۴۰۳ ق)، الجامع لاخلایق الراوی، محقق محمود الطحان، ریاض، مکتبه المعارف، ج ۲.
۱۷. دشتی، محمد (۱۳۹۵)، «جایگاه منابع مفقود در تحلیل مسائل تاریخی» سایت سخن تاریخ،

<http://tarikh.imam.miu.ac.ir/index.aspx?siteid=60&fkeyid=&siteid=60&pageid=33189&newsview=82595>.

۱۷. رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۵)، تشیع تاریخ و فرهنگ، قم، مورخ.
۱۸. رجائی، سیدمهدی (۱۳۷۵)، «علل نابودی بخش مهمی از میراث فرهنگی» مجموعه مقالات کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، صص ۱۵۸ - ۱۸۱.
۱۹. شامی، ابوعبدالله (۱۴۱۴ ق)، سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، بیروت، دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون، ج ۴.
۲۰. ۱۰۱. زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۵، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
۲۱. صائب عبدالحمید (۱۴۲۴ ق)، معجم مورخی الشیعة الامامیة - الزیدیة - الاسماعیلیة، قم، موسسة دائرة المعارف الاسلامی، ج ۱ - ۲.
۲۲. صدر، سید حسن (۱۳۹۵)، تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام، قم، موسسه کتابشناسی شیعه.
۲۳. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳)، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۲۴. _____ (بی تا)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح سیدمهدی حسینی لاجوردی، تهران، جهان.
۲۵. صدیق الحکیم (بی تا) اسرار الکتب المفقودة، بی جا، بی نا، ۲۱۵ م.
۲۶. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی دو اثر تاریخ نگاری شیخ صدوق»، نامه تاریخ پژوهان، شماره ۱۰ تابستان، صص ۱۶۶ - ۲۰۷.
۲۷. _____ (۱۳۸۴)، «محمد بن جریر طبری، آملی و دلائل الامامه»، علوم حدیث، شماره سوم و چهارم، صص ۲۲۳ - ۲۴۰.
۲۸. _____ (۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ نگاری او در الارشاد» شیعه شناسی، شماره ۱۸، تابستان، صص ۷ - ۳۶.
۲۹. _____ (۱۳۸۵)، «حسین بن عبدالوهاب و عیون المعجزات»، علوم حدیث، شماره چهارم.

۳۰. _____ (۱۳۹۵). «جایگاه منابع مفقود در تحلیل مسائل تاریخی» سایت سخن تاریخ، <http://tarikh.imam.miu.ac.ir/index.aspx?siteid=60&fkeyid=&siteid=60&pageid=33189&newsview=82595>
۳۱. طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق)، دلائل الامامة، قم، بعثت.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ ق)، اختیار معرفة الرجال، قم، جامعه مدرسین.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، آل البيت.
۳۴. عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۸)، بازسازی متون حدیث کهن شیعه: روش تحلیل نمونه، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳۵. فضلی، زینب و بیات، علی (۱۳۹۱)، «عوامل و پیامدهای اسناد دیوانی از سده‌های نخستین اسلامی» فصل نامه گنجینه اسناد، دفتر اول، بهار. صص ۶۲ - ۷۹.
۳۶. کلبرگ، اتان (۱۳۷۱)، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، مترجمان سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۳۷. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، اول، قم، اعتماد، ۱۳۸۶ ش.
۳۸. مجیدی نسب، نرگس (۱۳۷۸)، «تاریخ نگاری شیعه در رجال نجاشی» نامه تاریخ پژوهان، شماره ۱۶، زمستان، صص ۱۱۱۷ - ۱۷۰.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۱ ق)، بحار الانوار، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۴۸.
۴۰. منتجب الدین، علی بن عبدالله (۱۳۶۶)، فهرست، به کوشش محمد سامی حائری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۱. مهریزی، مهدی و علی صدرائی خوئی، میراث حدیث شیعه، دفتر ششم، قم، موسسه فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. نور ولی عبدالعزیز محمد، اثر التشیع علی الروایات التاريخية فی القرن الاول الهجری، دارالخطیری، مدینه منوره، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. یوسفی غروی، محمدهادی (۱۳۷۷)، گزارش مستند از نهضت عاشورا، قم، موسسه پژوهشی امام خمینی (ره).